

پیش‌گفتار.....	۷
■ گزارش نخست	
رد پای غول‌ها در تاریخ و جغرافیای زمین یا غول‌ها در گذشته‌های دور بر روی زمین می‌زیستند؟.....	۹
■ گزارش دوم	
آیا کشتی چند هزارساله ی نوح (ع)، در دل آرات آرمیده است؟.....	۵۱
■ گزارش سوم	
ذوالقرنین، برگزیده‌ای با توانایی‌های شگفت‌آور.....	۱۰۷
■ گزارش چهارم	
حضرت موسی (ع) در زمان کدام فرعون و چگونه از دریا عبور کرد؟.....	۱۶۷
■ گزارش پنجم	
درباره‌ی نابغه‌ای به نام حضرت یوسف (ع)، آیا انبارهای ذخیره‌ی غلات در دوران قحطی مصر، کشف شده‌اند؟.....	۱۹۱
■ گزارش ششم	
سدوم و گومورا، این شهرهای آباد و سرسبز، چگونه به خاکستر تبدیل شدند؟.....	۲۱۹
واژه یاب.....	۲۳۹

این کتاب را تقدیم می‌کنم
به همسر و فرزندانم که
همواره مرا در نگارش
علائقم، ترغیب کرده‌اند.

کتاب‌ها و متون مقدس، از کهن‌ترین و جذاب‌ترین منابع برای بررسی موضوعات گوناگونند. داستان‌های روایت شده در قرآن کریم، انجیل، تورات و دیگر متون مقدس باستانی، گرچه از نگاه تحریف و دست‌نخوردگی، در یک سطح نیستند، از استخوان بندی و شیرازه‌ای مشابه برخوردارند. چنان که به این موضوعات در قرآن، با نگرش کلی پرداخته شده اما در متون دیگر دینی که غالباً توسط راویان، حواریون، قدیسان و مورخ - کشیشان قرون مختلف، ثبت شده‌اند، به جزئیات بسیاری پرداخته شده است.

باستان‌شناسی متون مقدس این فرصت را برای علاقه‌مندان به باستان‌شناسی و متون دینی، هم‌زمان فراهم می‌کند تا بدون افسانه‌انگاشتن داستان‌های موجود در این متون، جغرافیا و آثار به دست آمده از دنیای اکنون را به آیات و روایت‌های دینی عهد کهن، پیوند بزنند.

نویسنده‌ی این کتاب، با تکیه بر قرآن کریم که اساس این پژوهش به شمار می‌رود، تلاش کرده ضمن گردآوری نتیجه‌ی پژوهش‌های پژوهشگران، خاطره‌ی آن چه را بر بسیاری از اقوام باستانی بر روی کهری زمین گذشته، با ذکر شواهد و آثار واقعی، به زمان حاضر احضار کند و با ایجاد این پیوند، پلی بین باورهای اسطوره‌ای باستانی و دنیای امروز، برقرار و این داستان‌ها را باور پذیر کند.

به اعتقاد نویسنده، هرآن چه در ادبیات دینی و حتی در ادبیات غیر دینی ما - مردم جهان - درباره‌ی گذشتگان آمده، چه بسا در زمان و مکان خود وجود واقعی داشته و تنها گذشت چند صد یا چند هزار سال، باور آن را غیر واقعی نشان می‌دهد و رنگ و بوی افسانه و قصه به آن بخشیده است. از این روی وی با ردیابی این شواهد از میان پژوهش‌های گوناگون و تطبیق آن‌ها با متون مقدس، نگاهی متفاوت به باستان‌شناسی انداخته است.

در این کتاب، تعداد شش گزارش، روایت شده است که بنا بر میزان مطالب موجود، برخی از آن‌ها بلند و برخی کوتاه‌اند.

در نخستین گزارش، نویسنده به "غول‌ها" پرداخته است. موضوعی که کاملاً اساطیری و تخیلی به نظر می‌رسد ولی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها زمانی، زمین را در عرصه‌ی خود داشتند. جست و جو در متن‌های بسیار کهن، مجموعه‌ی اشعار باستانی در ادبیات ایران و جهان، آثار هنری به جا مانده از قرون گذشته اعم از نقاشی‌ها، تندیس‌ها و سردیس‌ها، بناها و حکاکی‌ها و البته کشف اسکلت‌های انسانی، اشیاء و آثار زیستی باستانی، این موضوع جالب را بسیار خواندنی و به واقعیت تاریخی خود، نزدیک می‌کند.

در دومین گزارش، به "توفان نوح (ع)" پرداخته شده است. پیامبری که مرز میان بشر امروز و دیروز به شمار می‌رود. زیرا بنابر شواهدی که در این گزارش به آن‌ها اشاره شده، بر اثر وقوع توفانی سهمگین، زمانی تمامی زمین به زیر آب رفته است. به همین دلیل می‌توان گفت که نسل بشر کنونی از سلاله‌ی حضرت نوح (ع) است.

در سومین گزارش، به "ذوالقرنین" پرداخته شده که ده‌ها سال است نظریه پردازان و تاریخ‌نویسان، شخصیت‌های تاریخی و دینی را به او تشبیه کرده‌اند. در این گزارش نگارنده سعی کرده است تمام نظریات موجود را مطرح کرده و در صورت لزوم به تأیید یا رد آن‌ها بپردازد. در ادامه نیز نظریاتی متفاوت و البته قابل تأمل مطرح شده است.

در چهارمین گزارش، کیستی "فرعون‌های زمان حضرت موسی (ع)" بررسی شده است. باستان‌شناسان در این موضوع هنوز اتفاق نظر ندارند که حضرت موسی، در زمان کدام فرعون رشد و نمو یافت و به نظر می‌رسد که حضرت

موسی در زمان دو فرعون زیسته باشد: در دربار یکی پرورش یافت و از دربار دیگری با قوم خود به دریا زد. در بخش دوم این گزارش، "ردپای حضرت موسی (ع) در عبور از دریا" نیز بررسی شده است.

در پنجمین گزارش، به حضور نابغه‌ای به نام حضرت یوسف (ع) که در عصر فراعنه‌ی مصر می‌زیست، اشاره شده است. به مکان‌های احتمالی "انبارهای ذخیره‌ی غلات" و "حفرکانال‌های آب" در حاشیه‌ی رود نیل به منظور آبیاری صحرای خشک و برهوت مصر، اهمیت این کانال‌ها به این دلیل است که بعد از گذشت چند صد سال، هنوز حیات سمت غربی رود نیل، سرزمین فیوم، مدیون وجود این کانال‌هاست. به نظر می‌رسد که نابغه‌ای مانند یوسف پیامبر، اثرات سازنده‌ای بیش از دانسته‌های ما در مصر، از خود به جا گذاشته است. یکی از مشکلات بررسی‌های تاریخی در مصر، چیدمان سلسله‌های مصری و عدم تطبیق تاریخ آن‌هاست. برخلاف ثبت و ضبط همه‌ی امور زندگی به شکل نقاشی، حکاکی و نگارش هیروگلیفی توسط مصریان باستان، هنوز در بسیاری از جنبه‌ها در مصر، ابهام تاریخی وجود دارد. بدین معنی که نمی‌توان به طور صددرصد، موضوعی را با زمان آن تطبیق داد.

در ششمین گزارش، "شهرهای سدوم و گومورا" که حضرت لوط (ع) در آن‌ها استقرار داشت و دچار عذاب الهی شد، مورد جست و جو قرار گرفته است. در زمان‌هایی بسیار دور، در حاشیه‌ی دریای مرده در اردن، مردمانی در سرزمینی پرپرکت می‌زیستند که نام آن "بهشت" بود. سرزمینی حاصلخیز، سبز و شامل ۱۳ شهر آباد، که محل عبور مردم شهرهای مجاور و جهانگردان بود. اما به نقل از متون مقدس، ارتکاب انواع گناهان، هم جنس گرایی، گرانفروشی، کم فروشی، آزار و اذیت و رفتارهای غیر انسانی، باعث نزول عذاب خداوند بر این شهرها شد و آن‌ها یکی پس از دیگری خاک نابودی بر سر کشیدند.

در طول نگارش این گزارش‌ها، ضمن امانت‌داری در تلفظ‌ها و ترجمه‌ها، تلاش شده است که روانی و یکدستی متن، رعایت شود.

روش و اعتقاد اصلی نویسنده در بیان موضوع‌های علمی، مبتنی بر ساده و به دور از تکلف نویسی است. به همین دلیل، همواره مطالعه‌ی مقاله‌ها یا کتاب‌های ساده و قابل درک علمی، در کنار مطالعه‌ی رمان، شعر و قصه، از دغدغه‌های نویسنده بوده است.

هدف از تدوین این مجموعه، ارائه‌ی مقاله‌هایی آکادمیک با مرجع‌ها و ماخذهای فراوان در هر بند یا پایان هر برگه نبوده، گرچه تمامی تلفظ‌ها و مرجع‌ها در پایان کار پیوست شده است. مراد البته، برقراری الفت بین مطالب برخاسته از متون مقدس و یافته‌های باستان‌شناسی گوناگون بوده که ذهن کنجکاو نویسنده را به خود مشغول کرده و منجر به نگارش ساده و قابل فهم این جستارها برای همه‌ی اقشار گرامی شده است.

به عقیده‌ی نگارنده، آن چه که این گزارش‌ها را جذاب و خواندنی‌تر می‌کند، عکس‌ها، نقاشی‌ها و شرح‌هایی است که در ارتباط با هر مطلب گردآوری شده و آن‌ها را مستند کرده است. اینک آموزه‌های دیروز روزنامه نگاری در مورد اهمیت عکس و شرح عکس، در ملموس کردن هرچه بیشتر این گزارش‌ها، خوب به کار آمده است. تصویر روی جلد، مایکل تلینگر در کنار فسیل جای پای یک غول است (به گزارش نخست مراجعه شود).

رد پای غول‌ها در تاریخ و جغرافیای زمین

آیا غول‌ها در گذشته‌های دور بر روی زمین می‌زیستند؟

هر چه بیشتر ضرب‌المثل‌های ایرانی را می‌شنویم، بیشتر به وجود حکمت در کلام قدیمی‌ها پی می‌بریم. مثلاً این که می‌گفتند: آن‌ها مثل قوم تاتار حمله کردند! طرف مثل غول بی‌شاخ و دم است! در ادبیات داستانی همه‌ی کشورها، ردپای غولان و دیوان دیده می‌شود که البته همواره نگاه مردم و بسیاری از متخصصان به این موضوع جنبه‌ی اسطوره‌ای و تخیلی بوده است. با این حال پژوهشگران بسیاری در دیگر کشورها، به تحقیق در این باره پرداخته و حاصل کار خود را در نشریات و کتاب‌های متعددی منتشر کرده‌اند. بر اساس همین داستان‌ها، سینمای جهان، ده‌ها فیلم و کارتون ساخته و پرداخته است که همگی حکایت از واقعیتی گم‌شده می‌کنند. حکایت قدیمی جک و لوبیای سحرآمیز، غولی که در بدنش قلب نداشت و رابین هود و شاهزاده آراگون، از این جمله‌اند. ادبیات کشورهای اروپایی به خصوص یونان، رم و کشورهای آسیایی و آفریقایی هم پر از نمونه‌های حضور غول بدجنس و خوش‌جنس است که در گذشته‌های دور در کنار مردم زندگی می‌کردند. در اساطیر کشور هند و ایران نیز شاهد حضور پرننگ دیوها، پری‌ها، غول‌ها و پهلوانانی در زمان‌های قدیم هستیم که از قدرت و توانایی خارق‌العاده‌ای برخوردار بودند. یکی از این منابع، شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی است.

آن چه در این جستار می‌خوانید، تنها گزارشی است برای طرح عنوانی جذاب، واقعی و تأمل‌برانگیز: "غول‌ها". موضوعی بسیار جدی که هیچ‌گاه در نشریات فارسی، به آن پرداخته نشده و شاید در آینده دستمایه‌ی گزارشی مفصل‌تر قرار گیرد.

در سال ۱۵۷۵ م هنگامی که تاتارها به لهستان حمله کردند، جیکوب نیزابیلو-ویوس، یکی از جنگجویان تاتار را به قتل رساند. این سرباز لهستانی با شگفتی و حیرت نقل کرده است که هنگامی که سرباز تاتار بر روی زمین افتاد، او تازه متوجه درستی اندام او شد چرا که اندازه‌ی ضخامت بدن جسد، به اندازه‌ی نصف طول قد انسان‌های عادی بود!

جیمز پاریس دو پلیسیس (۱)، نیز در کتاب *تاریخ مختصر انسانی، اعجوبه‌ها، کوتوله‌ها و ...* چنین گزارش می‌کند که یک مجارستانی معروف به "تاتار هیولا"، که در نبردی با مسیحیان زنده دستگیر شد، به علت بزرگی جثه، در فوریه‌ی سال ۱۶۶۴ م در مکانی برای عموم به نمایش گذاشته شد.

در سال ۱۸۸۰ م چند اسکلت انسان با دوشاخ بیرون زده از جمجمه هر یک به طول ۱۰ سانتی‌متر، در گورستانی در سی پر، واقع در برادفورد، در پنسیلوانیای آمریکا کشف شد. طول قد این اسکلت‌ها بدون در نظر گرفتن طول شاخ‌ها، حدود ۲/۱۴۰ متر اندازه‌گیری و عمر این استخوان‌ها به ۱۲۰۰ م تخمین زده شد. شاخ‌های روی سر این اسکلت‌ها از ناحیه‌ی پیشانی در بالای دو ابرو بیرون زده بودند. بعدها اسکلت‌های شاخدار دیگری در جنوب المیرا و ولزویل در اطراف نیویورک نیز یافت شدند.

مارکوپولو در سفرنامه‌ی خود به هنگام سفر به زنگبار آفریقا، به وجود مردمی درشت جثه و قوی بنیه اشاره کرده است: همه‌ی مردم زنگبار درشت و چاق، به سنگینی و بزرگی غول‌ها هستند. آن‌ها به قدری قوی هستند که می‌توانند چهار مرد عادی را هم زمان حمل کنند و به اندازه‌ی پنج نفر غذا می‌خورند. پوستی تیره دارند و بت‌پرستند.

تاکنون تعداد بسیاری اسکلت‌های مومیایی شده یا نشده، جای پا و دست، نقاشی، حکاکی و آثار مدنی مانند ابزار بریدن و قطع کردن، هم چون تبرهای عظیم الجثه، در تمام نقاط دنیا یافت شده‌اند که متأسفانه معلوم نیست به چه دلیل به جز معدودی از این شواهد، بقیه به بهانه‌ی انجام آزمایش‌های علمی و تعیین سالیابی، سری تلقی و ناپدید شده‌اند. البته محققان و دانشمندان، صدها کتاب و مقاله درباره‌ی این کشفیات نوشته و منتشر کرده‌اند. آفریقا، آسیا، آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی، خاورمیانه، روسیه، انگلستان و... از جمله کشورهایی هستند که شواهد و کشفیات باستان‌شناسی در آن‌ها با جزئیات، توسط کاشفان و باستان‌شناسان و حتی مردم علاقه‌مند، کشف و ضبط شده‌اند.

از حدود سال ۱۹۵۰ م پس از سقوط هیتلر و در زمانی که آمریکایی‌ها مدعی دیدن موجودات فرازمینی شدند، دیگر هیچ خبر و گزارشی درباره‌ی کشف بقایای انسان‌های عظیم‌الجثه و تحلیل این یافته‌ها نوشته نشد و در کمال تعجب، علیرغم حجم بزرگی از یافته‌ها، هیچ موزه‌ای این اسکلت‌های پولساز را برای جلب گردشگر، به نمایش نگذاشت. این در حالی است که تا قبل از این تاریخ روزنامه‌ها و مجلات، به کرات اخبار مربوط به غول‌های عهد قدیم را آزادانه منتشر می‌کردند. در این مورد البته انستیتو تکنولوژی اسمیتسونین (۲) آمریکا که مسئولیت مهمی در ضبط، نگهداری، تحلیل و بررسی کشفیات باستان‌شناسی دارد نیز از انتقادات تند، بی‌نصیب نماند چرا که بسیاری از این بقایا، پس از انتقال به این مرکز مهم پژوهشی، بدون ارائه‌ی جواب، سر به نیست شدند!

بر سر غول‌های پنسیلوانیا (که در سطور بالا به آن‌ها اشاره شد) و در کمال تعجب هریک دوشاخ بر پیشانی داشتند نیز همین بلا نازل شد. آن‌ها به موزه‌ی فیلادلفیا منتقل شدند و خیلی زود به فهرست

اشیای گمشده پیوستند. یکی از مسئولان نیز بعدها اعلام کرد که شاخ‌های روی جمجمه‌های پنسیلوانیا، برای انجام مراسم آیینی روی سر آن‌ها نصب شده و شاخ حیوان بوده‌اند!



■ فسیل جمجمه‌ای با دو شاخ

از آن پس بارها روزنامه‌ها نوشتند که چرا مراجع دانشگاهی در قبال این کشفیات که بخشی از واقعیت تاریخ زندگی بشر در گذشته بوده، سکوت کرده‌اند ولی هرگز هیچ مقامی پاسخی نداد. برخی از پژوهشگران غربی معتقدند تأیید وجود انسان‌های غول‌پیکر، فرضیه‌ی "تکامل داروین" را با مشکل مواجه می‌کند و اساس بسیاری از نتیجه‌گیری‌های علمی غرب را به هم می‌ریزد. عجیب آن که کسی نمی‌داند چرا دانشمندان و باستان‌شناسان حاضر در حفاری‌ها نیز، سکوت اختیار کرده‌اند.

در سال ۱۸۹۱ م مجله نیچر در آمریکا نوشت: مرد غول‌پیکری با قدی حدود ۵ متر در گورستانی تاریخی کشف شد که بازوها، آرواره، سینه، شکم و دو شاخ روی جمجمه‌اش، با ورقه‌ی مسی پوشانده شده بود. دهانش با مرواریدهای درشت پر شده و گردنبندی از دندان خرس بر گردنش آویزان بود. راویان اخبار به او لقب "مرد مسی" دادند و خیلی زود پس از کشف، ناپدید شد و هرگز دیگر از او کسی سخنی به میان نیاورد. در دسامبر ۱۸۹۵ م وود مارتین (۳) مقاله‌ای در مجله‌ی استرن نوشت. عکس این مقاله، انسانی بسیار بزرگ را در تابوتی چوبی نشان می‌داد که قد او ۳/۷۱ متر، دور سینه ۱/۸۴۵ متر و طول بازوی آن ۱/۳۷۰ متر بود. این فسیل در پای راستش شش انگشت داشت و وزن آن دو تن اندازه‌گیری شد. برای انتقال این فسیل، شش مرد با کمک جرثقیل توانستند آن را حرکت دهند. این غول فسیل شده، در طی عملیات حفاری معدن سنگ آهن در ناحیه‌ی آنتریم کشور ایرلند، کشف و سپس ناپدید شد!